

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۰۳ اپریل ۲۰۲۲

سینه فراخ و بی کینه شهر کابل!

(۴)

شنبه - ۱۳ حمل ۱۴۰۱ - کابل:

کابل و دشمنانش:

با عرض پوزش خدمت آن عده از دوستان و خوانندگان گرامی که این قلم را مورد تفقد قرار داده، خواستار آنند در باره با تفصیل بیشتر همه جوانب را معرفی بدارم و با این وعده، که در زمان و فرصت دیگری به این بحث باز خواهم گشت و درب آن را نخواهم بست، این بخش یادداشت را به برخورد کابل با دشمنانش اختصاص داده ام.

همان طوری که در عنوان مطلب نیز تذکار یافته، کابل دارای "سینه فراخ و بی کینه" است، مگر این نکته را تذکر نداده ام که این سینه فراخ و بی کینه بودن، صرف در مقابل فرزندان این میهن از هر قوم و تبار و از هر دین و آئین و متکلم به هر زبانی که باشند می باشد، عکس آن در مقابل دشمنان میهن جای سینه فراخ و بی کینه را سینه ای از سنگ خارا و آغشته از نفرت و انزجار علیه متجاوز و دشمن می گیرد.

کابل که نام نامی آن با همین تلفظ کنونی از حاکمیت کوشانیان کوچک موسوم به کابلشاهان شهره شده است، با استناد بقایای دیوار های دفاعی بالای کوه های آسمانی و شیر دروازه، تنها یک شهر نبوده بلکه یک سنگر دفاع از هویت و موجودیت میهنی بوده که امروز به نام افغانستان مسمی می باشد. یعنی در بدترین شرایطی که اجانب بخشهای مختلف کشور را هریک به نفع خود تسخیر نموده بخشی از قلمرو خود اعلام داشته اند، شهرکابل به تنهایی درفش هویت تاریخی این میهن پرافتخار را بر شانه های فرزندان با قبول تمام مشقات حمل نموده، از هیچ نوع ایثار و فداکاری برای بقای آن هویت دریغ نورزیده است.

در کنار دیوار ها که مبین اراده خلل ناپذیر و تسلیم ناپذیر پدران پدران باشندگان این شهر اند، وقتی هر صبح به طرف کار و یا خرید و بازار به راه می افتیم با عبور از سینمای پامیر، با دیدن مسجد و زیارتگاه "شاه دوشمشیره" برای آنهایی که در کنار علاقه به مذهب و دین با تاریخ سرزمین شان نیز آشنا هستند، در وجود مسجد و زیارت نفرت از بیگانگان متجاوز و این که کابل چگونه متجاوزان را در اوج عظمت و قدرت آنها مجازات نموده به نمایش می گذارد، همچنان زمانی که از مقابل بالاحصار می گذریم در وجود ویرانه های آن، این احساس به انسان دست می دهد تو گوئی همین اکنون "کیوناری" دیوانه وار به هر طرف قصر در حال دویدن است و می خواهد هر چه بیشتر هم از خشم کابل فرار کند و هم از کابل سربلند و مغرور انتقام شکست امپراتوری بریتانیای کبیر را بگیرد از همین رو قصر را بیشتر

به آتش می کشد، وقتی از شهر نو به طرف قلعه فتح الله خان به راه می افتیم با دیدن "قبر گوره ها"- موسوم به قبرگورا- که کشته های سربازان خارجی در آنجا مدفون می باشند، باز هم دیده می شود که کابل خلاف سینه فراخ و بی کینه اش نسبت به فرزندان، در مقابل دشمنان خاک و میهن اخگر سوزانی ست که تا آنها را خاکستر نساخته است، آرام و قرار نگرفته است. ادامه این مبارزات افتخار آفرین و در مقاطعی دورانساز در قرن بیست زمانی ثبت کتیبه خرائین تاریخ شد که نخست باشندگان کابل در سوم حوت سال ۱۳۵۸ و به تعقیب آن در ماه ثور ۱۳۵۹، با برآمدن بر روی سرکها و سوسویال امپریالیسم روس را به نبرد مرگ و زندگی فراخواندن، ابهت و قدرقدرتی "ارتش سرخ" از درون سیاه را به نبرد فرا خواندند، این سنت تا خواست خود را در قرن ۲۱ باز هم طی خیزش هائی به نمایش بگذارد، با تأسف از طرف دشمنان و خاینان به وطن قسماً سرکوب و قسماً به کجراه کشانیده شد.

هموطنان گرامی!

این دشمن ستیزی و رزمندگی شهر و شهروندان کابل، به همان اندازه که هر فرد افغان و افغانستان را به وجد می آورد و می خواهد از جایش برخاسته به سربازان و مدافعان گمنام این خطه سرتعظیم فرود آورده ادای احترام کند؛ برای دشمنان میهن، متجاوزان و نوکران آنها سخت تمام شده، همیشه خواستار آن بوده اند تا کابل و باشندگان کابل را به خاک و خون بکشند. این که دیروز از یک جانب باند های خلق و پرچم به هزاران تن از باشندگان و شهروندان آگاه این شهر را به بند کشیده در گورستانهای نامعلم مدفون نمودند و از سوی دیگر "ضیاءالحق" ها و "اختر عبدالرحمان" ها می گفتند که از "کابل انتقام خونین خواهند کشید" و به دوام آنها "سیاف" ها فتوای ویرانی کابل را صادر می نمودند و جهت تطبیق آن "گلبدین- مزاری" و "مسعود- ربانی" شهر را به تلی از خاک و خاکستر مبدل ساخته ۶۵ هزار تن از شهروندان آن را به قتل رسانیدند و یا امروز، نوکران پنجابی ها، مهر فساد و گمراهی بر پیشانی کابلیان زده، تلاش دارند تا زیر نام ترویج اسلام هویت دشمن ستیز کابلیان را از آنها بگیرند، همه برخاسته از همان نفرت عظیمی است که دشمنان خلق و تاریخ افغانستان علیه این خطه پرافتخار و آزاده داشته و دارند.

هموطنان گرامی!

در هر قوم، ملت، مذهب و مردمی، معیار هائی وجود دارد که افراد را می توان بر مبنای ایستادن در کدام طرف معیار سنجش نمود، یکی از معیار های وطن دوستی، وطن پرستی و آزادگی در افغانستان می تواند حرمت قایل شدن به مبارزات تمام مردم افغانستان در سراسر کشور باشد، یعنی وقتی فردی و یا جمعی به این مبارزات بی اعتناء و یا دشمن است، با هر ادعائی که به میدان آید، مسلم است که اگر در عروقت خون دشمن بر مبنای توارث جریان نداشته باشد، خودش به مثابه فرد نوکر اجنبی و دشمن افغانستان و مردم آن می باشد.

آنهایی که افتخارات افغانستان و مردم آن را، افتخارات شهر های افغانستان و مردم آن را -می خواهد کنرها باشد یا پکتیا، هرات باشد و یا قندهار، فاریاب باشد و یا بلخ، کابل و یا - از خود نمی دانند و بدان افتخار نمی ورزند و کمبود ها و کاستی های آنها را نیز کمبود و کاستی خود ندانسته در صدد رفع آن نیستند، باید بپذیرند که یا از سیر زمان عقب مانده، در لاک و زنجیر های اسارات قومی، منطقه ئی و زبانی در اسارت اند، و چه بسا از آنها بدتر نوکر اجنبی اند در لباس افغان؛ در غیر آن با شادی مردم خود شاد و در غم و ماتم آنها غمگین و افسرده می باید باشند. این رشته سردراز دارد.

مبارزه علیه امپریالیسم، جزء لاینفک مبارزه علیه ارتجاع در کل

و ارتجاع هار مذهبی- طالبی به صورت خاص می باشد

تشکل و تسلیح نیاز و خواست زمان ما!